

نقش تعدیل‌گری ظرفیت تأملی مادر در رابطه بین خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر- کودک

The Moderating Role of Mother's Reflective Functioning in the Relationship Between Child's Temperament and Quality of Mother-Child Relationship

<https://doi.org/10.48308/JFR.19.3.519>

Z. Zamanpour, Ph.D. Student

Faculty of Psychology and Educational science,
University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Sh. Pakdaman, Ph.D.

Faculty of Psychology and Educational science,
University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

S. Ghanbary, Ph.D.

Faculty of Psychology and Educational science,
University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

P. Nejat, Ph.D.

Faculty of Psychology and Educational science,
University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

✉ **زینب زمانپور**

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

شهلا پاکدامن

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

سعید قنبری

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

پگاه نجات

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۲۴

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۲/۷/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۸/۱۳

Abstract

The aim of this study is to determine the relationship between child temperament and the quality of mother-child relationship and to determine the moderating role of the mother's reflective functioning in the relationship between these two variables.

چکیده

هدف این مطالعه تعیین رابطه خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر - کودک و مشخص ساختن نقش تعدیل‌گرانه ظرفیت تأملی مادر در رابطه بین این دو متغیر بود. نمونه آماری شامل ۲۷۰ مادر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه مزاج کودکی میانه، ظرفیت تأملی والدین و مقیاس رابطه کودک - مادر پاسخ دادند.

✉ Corresponding author: Faculty of Psychology and Educational science, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran
Email: z_zamanpour@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، بلوار دانشجو، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی
پست الکترونیکی: z_zamanpour@sbu.ac.ir

The statistical sample consisted of 270 mothers who were obtained by convenience sampling method and answered three questionnaires of middle childhood temperament, parental reflective functioning and child-mother relationship scale. Pearson correlation coefficient and regression were used to analyze the data."The analysis showed that with the exception of the component of distractibility, all other components of the child's temperament and all three components of mother's reflective functioning had a significant relationship with the quality of mother-child relationship. The results of regression analysis to examine the moderation hypothesis of mother's reflective functioning showed that mother's prementalizing modes was a significant moderator of the relationship between child level activity, rhythmicity and attention span and persistence with the quality of mother-child relationship. interest and curiosity in mental states also significantly modified the relationship between rhythmicity and attention span and persistence with the quality of mother-child relationship.

Keywords: Child Temperament, Mother's Reflective Functioning, Quality of Mother-Child Relationship.

برای تحلیل داده‌ها از ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که به‌جز مؤلفه حواس‌پرتی، بقیه مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک رابطه معناداری با کیفیت رابطه مادر - کودک داشتند. همچنین هر سه مؤلفه ظرفیت تأملی مادر شامل پیش‌ذهنی‌سازی، اطمینان به وضعیت ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی، ارتباط معناداری با کیفیت رابطه مادر - کودک داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون برای بررسی فرضیه تعدیلگری ظرفیت تأملی مادر نشان داد که پیش‌ذهنی‌سازی مادر تعدیلگر معنادار رابطه سطح فعالیت کودک، پیش‌بینی‌پذیری و ثبات فراخنای توجه با کیفیت رابطه مادر - کودک بود. همچنین علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی در مادر نیز به طور معناداری تعدیل‌کننده رابطه پیش‌بینی‌پذیری و ثبات فراخنای توجه با کیفیت رابطه مادر - کودک بود. در بقیه موارد، تعدیلگری مؤلفه‌های ظرفیت تأملی مادر در ارتباط مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک تأیید نشد.

کلیدواژه‌ها: خلق‌وخوی کودک، ظرفیت تأملی مادر، کیفیت رابطه مادر - کودک.

مقدمه

دوران کودکی تأثیرات شگرفی بر زندگی آینده فرد و سلامت روان^۱ او دارد. تجربه‌های دوران کودکی می‌تواند زمینه را برای انواع آسیب‌های روانی در بزرگسالی یا مصونیت از آن‌ها فراهم کند. این مسئله باعث شده که روان‌شناسان، و به ویژه روان‌شناسان تحولی، توجه فراوانی به این دوره داشته باشند. پژوهش‌های بسیاری انجام شده که عوامل مؤثر بر سلامت روان در دوره کودکی را بررسی کرده است. از برجسته‌ترین این عوامل، رابطه کودک با مراقب اولیه‌اش است که می‌تواند در قاب دلبستگی متجلی شود (بریش^۲، ۲۰۱۲).

مراقب اولیه که اغلب مادر است، بیشترین وقت را با کودک می‌گذراند و به این ترتیب، نقش مهمی در شکل‌گیری تجربه‌های او دارد. بنابراین، رابطه والد و فرزند رابطه‌ای بسیار مهم و بی‌رقیب است (چراغی^۳، ۱۳۹۷). چنانچه این دوران در کنار مادری به اندازه کافی خوب و حساس و پاسخ‌گو سپری شود، تجربه‌هایی

سالم را برای کودک رقم می‌زند که می‌تواند پایه‌گذار شخصیتی ایمن و سازگار برای او باشد (هاو^۴، ۱۹۹۹)؛ لذا کیفیت رابطه مادر - کودک می‌تواند نقش مهمی در سلامت روان کودک، تفسیر و ادراک کودک از محیط اطراف و انطباق با آن و همچنین پیشگیری از آسیب‌های آتی داشته باشد (خداپناهی^۵ و همکاران، ۱۳۹۱). عوامل مختلفی می‌توانند کیفیت رابطه مادر - کودک را تحت تأثیر قرار دهند. یکی از این عوامل خلق‌وخوی کودک است.

خلق‌وخو به معنای تفاوت‌های فردی در واکنش‌های هیجانی و خودتنظیمی است که در طول زمان و در موقعیت‌های مختلف دارای ثباتی نسبی است و حداقل تا حدی توسط ژنتیک و سایر تأثیرات بیولوژیکی هدایت می‌شود (کتلنیکوا و هایدن^۶، ۲۰۲۰). این تفاوت‌های فردی، سبک خاص هر فرد در تنظیم هیجانی، واکنش‌پذیری و تعامل با جهان اطراف را می‌سازد و او را از دیگران متمایز می‌کند (آلارد و هانتر^۷، ۲۰۱۰). خلق‌وخو پایه رشد شخصیت در نظر گرفته می‌شود و نقش مهمی در سازگاری و تحول بهنجار یا انواع اختلال‌ها دارد (استرولا^۸، ۲۰۲۰). خلق‌وخوی کودک می‌تواند بر پیرامونش، از جمله مادر و کیفیت مراقبتی که از او می‌کند، تأثیر بگذارد. برای مثال کودکان دشوار اغلب نوعی فرزندپروری و مراقبت را دریافت می‌کنند که با خلق‌وخوی آن‌ها تطابق ندارد و آن‌ها را در معرض خطر ناسازگاری‌های بعدی قرار می‌دهد (روتبارت^۹ و همکاران، ۲۰۰۰؛ برک^{۱۰}، ۲۰۰۷)؛ لذا بررسی رابطه خلق‌وخوی کودک و کیفیت رابطه مادر-کودک بسیار حائز اهمیت است.

پژوهش‌های بسیاری تاکنون، رابطه خلق‌وخوی کودک و مؤلفه‌های والدینی را بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال لنگوا و کواکس^{۱۱} (۲۰۰۵) دریافتند که زودرنجی و کج‌خلقی کودک می‌تواند به والدگری و ارتباطات گهگاه متناقض منجر شود، درحالی‌که هیجان‌ها و خلق مثبت کودک زمینه‌ساز پذیرش بیشتر مادر است. لارکین و اوتیس^{۱۲} (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که خلق‌وخوی کودک بر تجربه‌ها و بازخوردهایی که کودک از محیط از جمله مادر می‌گیرد تأثیر دارد، تا جایی که خلق‌وخوی کودک می‌تواند پیش‌بینی‌کننده روابط و تعاملات او با دیگران باشد. کودکان با تحریک‌پذیری بالا و خودتنظیمی ضعیف، بیشتر فرزندپروری منفی و روابط والد-کودک متعارض دریافت می‌کنند. خلق‌وخوی دشوار کودک با بی‌توجهی به هیجان‌های کودک و تعارض بالا با والدین و احتمالاً مشکلات رفتاری آتی در کودکان همراه است (مونتیما^{۱۳} و همکاران، ۲۰۰۶). هنگامی که کودک خلق‌وخوی دشواری داشته باشد، رفتارهایی نظیر واکنش‌پذیری بالا و پاسخ‌های شدید، کم‌رویی، فعالیت بیش از حد و حواس‌پرتی از خود نشان می‌دهد. چنین رفتارهای مشکل‌سازی، خواسته‌های ویژه‌ای را برای مدیریت و تربیت کودک می‌طلبد که می‌تواند بسیاری از ویژگی‌های والدین از جمله سلامت روان‌شناختی، میزان حساسیت و کیفیت رابطه والد-کودک را تهدید کند. اما یافته‌ها از مطالعه‌ای به مطالعه دیگر تا حدودی متناقض بوده است (لاکانن^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۴).

پائولوسن - هوگبوم^{۱۵} (۲۰۰۷) در یک فراتحلیل که شامل ۶۲ پژوهش بود، رابطه هیجان‌های منفی کودک و فرزندپروری را بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اندازه اثر ارتباط بین هیجان‌های منفی کودکان و فرزندپروری به‌طور کلی کوچک است و به ویژگی‌های گروه نمونه بستگی دارد. درحالی‌که در برخی از مطالعات، ویژگی‌های سخت‌مزاجی با فرزندپروری منفی همراه بوده است، در مطالعات دیگر، خلق‌وخوی بالاتر مربوط به مشارکت مادرانه و فرزندپروری مثبت است (لاکانن و همکاران، ۲۰۱۴). برای مثال می‌توان از

کودکان دشواری نام برد که ارتباط خوب و نزدیکی با مادر داشته‌اند و مسیر تحول بهنجاری را طی کرده‌اند (برک، ۲۰۰۷). مواردی از آسیب‌شناسی روانی کودک نیز دیده شده که با والدین سالم و متعهد اتفاق افتاده است و برعکس، موارد دیگری که در آن‌ها کودکان به‌رغم آشفتگی‌های محیطی، یک دوره رشد انطباق‌پذیر را نشان دادند (پوتنم^{۱۶}، ۲۰۰۲). در پی یافتن دلیل این تناقض‌ها و نتایج متفاوت در پژوهش‌های مختلف، توجه ما به وجود عامل یا عواملی که تعدیلگر ارتباط خلق‌وخوی کودک و کیفیت رابطهٔ مادر-کودک باشند جلب شد.

در نظر گرفتن رابطهٔ بین عوامل مربوط به مادر و عوامل مربوط به کودک، کلید درک رفاه و بهزیستی کودک است (لارکین و اوتیس، ۲۰۱۹). تعامل سرشت کودک با محیط ممکن است به نتایج متفاوتی بینجامد. محیط کودک می‌تواند شدت صفات خلق را تغییر دهد و نقش‌افزاینده یا کاهندهٔ آسیب را ایفا کند. از عوامل محیطی بسیار مهم و مؤثر، ویژگی‌های مربوط به والدین است (پوتنم و همکاران، ۲۰۰۲). غالباً رابطهٔ مادر و کودک اولین و مهم‌ترین رابطهٔ اجتماعی هر انسان است. بیشترین زمان کودک کنار مادر سپری می‌شود و مادر تأثیرات واضحی بر تحولات خلقی کودک و شکل‌گیری سازمان روانی او دارد. از طرفی درک مادر از حالات ذهنی و رفتارهای خود و کودکش که به توانایی ذهنی‌سازی^{۱۷} او مربوط است، می‌تواند بر کیفیت مراقبت و پاسخ‌هایی که به کودک می‌دهد اثرگذار باشد و تلویحاتی برای پیش‌بینی کیفیت روابط مادر-کودک داشته باشد (بیتمن و فوناگی^{۱۸}، ۲۰۱۶؛ ویزمارا^{۱۹}، ۲۰۲۰).

ذهنی‌سازی، توانایی درک خود و دیگران از نظر افکار، احساسات، آرزوها و خواسته‌هاست. در حقیقت ذهنی‌سازی به معنی دیدن خودمان از بیرون و دیگران از درون است. این توانایی که منحصر به انسان است، چیزی است که انسانیت ما را می‌سازد، ما را از دیگر موجودات متمایز می‌کند و زمینه‌ساز تعاملات روزمرهٔ ما است (بیتمن و فوناگی، ۲۰۱۶). فوناگی و همکاران (۱۹۹۱) برای اولین بار با معرفی سازهٔ ظرفیت تأملی^{۲۰}، توانایی ذهنی‌سازی را در انسان‌ها اندازه‌گیری و درباره‌اش بحث کردند. ظرفیت تأملی، سازهٔ عملیاتی‌شدهٔ ذهنی‌سازی در بافت دلبستگی است (فوناگی و تارگت^{۲۱}، ۲۰۰۵) که چارچوبی تجربی را برای ارزیابی ذهنی‌سازی ارائه می‌کند. ذهنی‌سازی یا ظرفیت تأملی والدین به توانایی والدین برای در نظر گرفتن حالات ذهنی فرزندشان اشاره دارد. ظرفیت تأملی والدین همچنین شامل درک حالات ذهنی خود در تعامل با کودک و تأثیر آن بر ارتباط است. والدینی که ظرفیت تأملی بالایی دارند، در درک دیدگاه فرزند خود موفق‌تر عمل می‌کنند و می‌توانند تفاوت برداشت خود با فرزندشان را در یک تجربه مشترک بپذیرند (اسلید^{۲۲}، ۲۰۰۵). بنابراین ظرفیت تأملی مادر می‌تواند تسهیلگر ارتباط مادر با کودک باشد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

نوع طرح حاضر از نظر هدفی که دنبال می‌کند بنیادی، و از نظر روش جمع‌آوری و بررسی داده‌ها از نوع هم‌بستگی است. جامعهٔ آماری مورد بررسی شامل مادران ایرانی بود که به اینترنت دسترسی داشتند. ملاک ورود به پژوهش، داشتن فرزند در بازهٔ سنی هشت تا دوازده سال بود؛ چراکه این پژوهش به بررسی کودکان

در سنین کودکی میانه می‌پرداخت و محدودهٔ سنی مجاز برای استفاده از پرسش‌نامهٔ مزاج کودکی میانه نیز بازهٔ سنی هشت تا دوازده سال بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس و از میان مادران داوطلب واجد شرایط ورود به پژوهش انجام شده است.

پرسش‌نامهٔ مزاج کودکی میانه^{۲۳} (هگویک^{۲۴} و همکاران، ۱۹۸۲): این ابزار خودگزارش‌دهی به منظور سنجش ویژگی‌های خلقی کودکان هشت تا دوازده‌ساله طراحی شده است و والدین به پرسش‌های پرسش‌نامه درباره فرزندشان در یک طیف لیکرتی از یک به معنی «هرگز» تا شش به معنی «اکثرأ» پاسخ می‌دهند. کار هنجاریابی این پرسش‌نامه را در ایران یزدخواستی^{۲۵} و همکاران (۱۳۸۹) انجام دادند. نسخهٔ فارسی آن ۵۷ گویه و هفت خرده‌مقیاس سطح فعالیت^{۲۶}، پیش‌بینی‌پذیری^{۲۷}، نزدیک شدن به محرک جدید^{۲۸}، شدت بیان خلق^{۲۹}، فراخوانی توجه^{۳۰}، حواس‌پرتی^{۳۱} و آستانهٔ حسی^{۳۲} دارد. آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای این هفت بعد، به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۴۷، ۰/۶۵، ۰/۵۳، ۰/۴۵، ۰/۷۳ و ۰/۸۲ به دست آمده است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ این هفت بعد به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۶۶، ۰/۶۳، ۰/۸۳ و ۰/۷۴ به دست آمد. با توجه به اینکه هم‌بستگی دو خرده‌مقیاس پیش‌بینی‌پذیری و ثبات فراخوانی توجه بالای ۰/۶۰ بود (۰/۶۶)، به دلیل اجتناب از مشکل هم‌خطی برای انجام رگرسیون، از تلفیق این دو خرده‌مقیاس در تحلیل‌های آماری استفاده شد. آلفای کرونباخ این خرده‌مقیاس تلفیقی برابر ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسش‌نامهٔ ظرفیت تأملی والدین^{۳۳} (لویتن^{۳۴} و همکاران، ۲۰۱۷): این ابزار که برای ارزیابی توانایی والدین برای تأمل در تجارب شخصی درونی خود و کودکشان ایجاد شده است، ۱۸ گویه و سه خرده‌مقیاس ساحت‌های پیش‌ذهنی^{۳۵}، اطمینان به حالات ذهنی^{۳۶} و علاقه و کنجکاوی درباره حالات ذهنی^{۳۷} دارد. آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای این سه خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ است. در این ابزار خودگزارش‌دهی، از والدین خواسته می‌شود که میزان موافقت یا مخالفت خود با عبارت هر پرسش را با گزارش عددی بین یک به معنی «کاملاً مخالفم» تا هفت به معنی «کاملاً موافقم» مشخص کنند. چندین مطالعه در ایران، ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه را بررسی کرده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ گزارش‌شدهٔ سه بعد پیش‌ذهنی‌سازی، اطمینان به حالات ذهنی و علاقه و کنجکاوی درباره حالات ذهنی کودک در دو پژوهش ایرانی، به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۷۱ (گودرزی^{۳۸}، ۱۳۹۸)، ۰/۶۸، ۰/۷۲ و ۰/۶۸ (موسوی و بهرامی احسان^{۳۹}، ۱۳۹۹) و ۰/۵۰، ۰/۸۷ و ۰/۷۲ (فاطی^{۴۰} و همکاران، ۲۰۲۲) به دست آمده است. آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر نیز برای خرده‌مقیاس‌های پیش‌ذهنی‌سازی، اطمینان به حالات ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۷۸ و ۰/۵۳ است.

مقیاس رابطهٔ کودک-والد فرم کوتاه^{۴۱} (بیاننا^{۴۲}، ۱۹۹۲): ادراک والدین از رابطهٔ خود با فرزندشان و جنبه‌های مثبت و منفی این ارتباط با این ابزار سنجیده می‌شود. این مقیاس دو فرم بلند و کوتاه دارد که در این پژوهش از فرم کوتاه آن استفاده شده است که ۱۵ گویه و دو خرده‌مقیاس نزدیکی^{۴۳} و تعارض^{۴۴} دارد. پاسخ‌ها در یک طیف لیکرتی از یک به معنی «اصلاً این طور نیست» تا پنج به معنی «مسلماً همین‌طور است» طراحی شده است. آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس تعارض مادر ۰/۸۴، و برای خرده‌مقیاس نزدیکی

مادران در کلاس اول بود. آلفای کرونباخ برای نزدیکی مادران ۰/۶۴ بود (دریسکول^{۴۵} و پیناتا، ۲۰۱۱). روایی محتوا و پایایی نسخه فارسی این مقیاس را ابارشی^{۴۶} و همکاران (۱۳۸۸) بررسی کرده‌اند و آلفای کرونباخ برای دو خرده‌مقیاس نزدیکی و تعارض به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۸۴ محاسبه شده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس نزدیکی ۰/۷۳ و برای خرده‌مقیاس تعارض برابر با ۰/۷۸ به دست آمد. در تحلیل‌های آماری، از نمره کل این پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ استفاده شد. داده‌های این پژوهش با استفاده از آزمون هم‌بستگی و رگرسیون تحلیل شد.

بیان یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای خلق‌وخوی کودک، ظرفیت تأملی مادر و کیفیت رابطه مادر - کودک در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد هریک از متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	متغیرها	
۰/۷۷	۳/۱۴	سطح فعالیت	خلق‌وخوی کودک
۰/۷۹	۳/۸۰	پیش‌بینی‌پذیری	
۰/۷۹	۴/۳۹	نزدیکی به محرک جدید	
۰/۶۸	۴/۱۸	شدت بیان خلق	
۰/۶۱	۳/۷۸	ثبات فراخنای توجه	
۰/۹۹	۴/۲۲	حواس‌پرتی	
۰/۶۷	۴/۸۱	آستانه حسی	
۰/۹۶	۲/۳۸	پیش‌ذهنی‌سازی	ظرفیت تأملی مادر
۱/۲۶	۴/۱۹	اطمینان به حالات ذهنی	
۰/۷۵	۵/۸۷	علاقه و کنجکاو به حالات ذهنی	کیفیت رابطه مادر-کودک
۰/۴۸	۴/۳۵	نزدیکی	
۰/۷۱	۲/۲۷	تعارض	

میانگین پایین و کجی مثبت (۰/۸) در مؤلفه پیش‌ذهنی‌سازی بیانگر این است که اکثر مادران شرکت‌کننده در پژوهش، نمره پایینی در این متغیر به دست آورده‌اند؛ لذا در توانایی ورود به دنیای ذهنی کودکان، مشکل جدی ندارند و غالباً رفتارهای کودک را بدخواهانه یا ناسازگارانه قلمداد نمی‌کنند. عامل اطمینان به حالات ذهنی دارای میانگین متوسطی است و ضریب کجی آن نزدیک به صفر است. نظر به اینکه اطمینان به حالات ذهنی در سطوح بالا یا پایین، از وجود مشکل در این بعد حکایت دارد و نمره‌های میانی مطلوب این مؤلفه است، اکثر مادران شرکت‌کننده در مؤلفه اطمینان به حالات ذهنی وضعیت مطلوبی دارند و با اینکه به وجود ابهام در حالات ذهنی واقف‌اند، با این حال توانایی حدس زدن و به ذهن آوردن حالات ذهنی کودکان را دارند. همچنین میانگین بالا در عامل علاقه و کنجکاو به حالات ذهنی نشان می‌دهد که اغلب مادران شرکت‌کننده در این پژوهش، علاقه و کنجکاو بسیاری به درک حالات ذهنی فرزندشان دارند.

هم‌بستگی دو به دوی همه متغیرهای پژوهش با یکدیگر سنجیده شد. هم‌بستگی دو متغیر خلقی پیش‌بینی‌پذیری و ثبات فراخوانی توجه کودک نسبتاً قوی (۰/۶۶) بود و به دلیل پرهیز از ایجاد مشکل هم‌خطی در تحلیل رگرسیون، از تلفیق این دو متغیر با یکدیگر استفاده شد. بین دیگر مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک با هم و مؤلفه‌های ظرفیت تأملی مادر با هم و نیز مؤلفه‌های این دو متغیر با یکدیگر هم‌بستگی قوی‌ای که مفروضه عدم هم‌خطی را دچار مشکل کند دیده نشد. مؤلفه‌های تعارض و نزدیکی از متغیر کیفیت رابطه مادر-کودک نیز با یکدیگر هم‌بستگی منفی قوی (۰/۶۷-) دارند. مؤلفه پیش‌ذهنی‌سازی از ظرفیت تأملی با مؤلفه تعارض هم‌بستگی مثبت متوسط (۰/۵۳)، با مؤلفه نزدیکی هم‌بستگی منفی متوسط (۰/۵۴-) و با کیفیت رابطه مادر - کودک هم‌بستگی نسبتاً قوی (۰/۵۷-) دارد. مؤلفه اطمینان به حالات ذهنی با مؤلفه تعارض هم‌بستگی ضعیف منفی (۰/۲۶-)، با مؤلفه نزدیکی هم‌بستگی متوسط مثبت (۰/۳۴) و با کیفیت رابطه مادر - کودک هم‌بستگی مثبت متوسط (۰/۳۱) دارد؛ همچنین علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی با مؤلفه تعارض هم‌بستگی ضعیف منفی (۰/۲۲-)، با مؤلفه نزدیکی هم‌بستگی متوسط مثبت (۰/۳۵) و با کیفیت رابطه مادر - کودک هم‌بستگی مثبت ضعیف (۰/۲۹) دارد. تمام هم‌بستگی‌های مذکور در سطح در آلفای ۰/۰۱ معنادار بودند.

به منظور تعیین نقش تعدیلگرانه ظرفیت تأملی مادر در رابطه دو متغیر خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر - کودک، هجده رگرسیون جداگانه به تفکیک سه مؤلفه ظرفیت تأملی مادر و شش مؤلفه خلق‌وخوی کودک انجام شد. در هر رگرسیون، سایر مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک، سایر مؤلفه‌های ظرفیت تأملی مادر و جنسیت کودک به عنوان متغیر همگام وارد مدل شدند.

نتایج تحلیل رگرسیون برای تعدیلگری مؤلفه پیش‌ذهنی‌سازی مادر در رابطه شش مؤلفه خلق‌وخوی کودک و کیفیت رابطه مادر و کودک که در جدول ۲ آمده، خلاصه شده است. پیش‌ذهنی‌سازی مادر نه تنها پیش‌بین معنادار کیفیت رابطه مادر - کودک است، تعدیلگر ارتباط سطح فعالیت و پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه کودک با کیفیت رابطه مادر - کودک است. برای بررسی چگونگی اثرگذاری متغیر تعدیلگر بر رابطه سطح فعالیت و کیفیت رابطه مادر - کودک، شیب خط رگرسیون سطح فعالیت در پیش‌بینی کیفیت رابطه مادر-کودک در مقادیر مختلف پیش‌ذهنی‌سازی محاسبه شد که نتایج آن نشان داد با افزایش سطح پیش‌ذهنی‌سازی مادر از کم (۰/۹۴-) به متوسط (۰/۱۶-) و بالا (۱)، ضریب رگرسیون نیز به ترتیب از ۰/۰۳- به ۰/۱۰- و ۰/۲۰- افزایش یافته است و با توجه به منفی بودن آن می‌توان نتیجه گرفت که سطح فعالیت کودک به طور قوی‌تری کیفیت رابطه مادر - کودک را در جهت معکوس پیش‌بینی می‌کند و در سطوح بالاتر پیش‌ذهنی‌سازی مادر، افزایش سطح فعالیت کودک کاهنده قوی‌تری برای کیفیت رابطه مادر - کودک است. همچنین برای بررسی چگونگی اثرگذاری متغیر پیش‌ذهنی‌سازی بر رابطه پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه کودک و کیفیت رابطه مادر - کودک، شیب خط رگرسیون پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه کودک در پیش‌بینی کیفیت رابطه مادر-کودک در مقادیر مختلف پیش‌ذهنی‌سازی محاسبه شد که نتایج آن نشان داد با افزایش سطح پیش‌ذهنی‌سازی مادر از کم (۰/۹۴-) به متوسط (۰/۱۶-) و بالا (۱)، ضریب رگرسیون نیز به ترتیب از ۰/۱۴ به ۰/۲۴ و ۰/۳۹ افزایش یافته است. این مطلب نشان می‌دهد هرچه عامل پیش‌ذهنی‌سازی در مادر بالاتر باشد، مؤلفه خلقی پیش‌بینی‌پذیری-ثبات فراخوانی توجه کودک رابطه

قوی‌تری با کیفیت رابطه مادر - کودک برقرار می‌کند که با کاهش آن‌ها، از کیفیت رابطه مادر - کودک نیز کاسته می‌شود.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون به منظور آزمون نقش تعدیلگری مؤلفه پیش‌ذهنی‌سازی مادر در رابطه مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک، با کنترل جنس کودک، سایر مؤلفه‌های خلق‌وخو و ظرفیت تأملی

ضرب رگرسیون	خطای استاندارد	سطح معناداری	حد پایین بازه اطمینان ضرب رگرسیون	حد بالای بازه اطمینان ضرب رگرسیون
-۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۴۵	-۰/۱۷	۰/۰۰
۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۰۶۴	-۰/۰۱	۰/۲۶
-۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۳۵۰	-۰/۱۶	۰/۰۶
-۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۶۶۹	-۰/۱۳	۰/۰۸
۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۹۱۹	-۰/۰۸	۰/۰۷
۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۹۶۱	-۰/۱۷	۰/۱۷

دومین مؤلفه ظرفیت تأملی مادر اطمینان به حالات ذهنی است که نتایج تحلیل رگرسیون‌های انجام‌شده برای تعیین تعدیلگری آن در جدول ۳ به صورت خلاصه آمده است. هرچند اطمینان به حالات ذهنی در مادر پیش‌بین معنادار کیفیت رابطه مادر-کودک است، اما در هیچ‌کدام از شش رگرسیون انجام‌شده، نقش تعدیلگری آن معنادار نشد.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون به منظور آزمون نقش تعدیلگری مؤلفه اطمینان به حالات ذهنی در مادر در رابطه مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک، با کنترل جنس کودک،

سایر مؤلفه‌های خلق‌وخو و ظرفیت تأملی

ضرب رگرسیون	خطای استاندارد	سطح معناداری	حد پایین بازه اطمینان ضرب رگرسیون	حد بالای بازه اطمینان ضرب رگرسیون
۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۹۱۱	-۰/۰۶	۰/۰۵
-۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۳۰۵	-۰/۰۹	۰/۰۳
-۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۵۸۵	-۰/۰۸	۰/۰۴
۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۴۸۶	-۰/۰۴	۰/۰۸
-۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۴۹۱	-۰/۰۶	۰/۰۳
-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۷۵۷	-۰/۰۷	۰/۰۵

آخرین مؤلفه ظرفیت تأملی مادر، علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی است که نتایج تحلیل رگرسیون آن در جدول ۴ تلخیص شده است. نتایج نشان می‌دهد که علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی فقط تعدیلگر ارتباط پیش‌بینی‌پذیری و ثبات فراخنای توجه با کیفیت رابطه مادر-کودک است و در ارتباط سایر مؤلفه‌های خلق با کیفیت رابطه مادر-کودک نقش تعدیلگر ندارد. برای بررسی چگونگی اثرگذاری متغیر تعدیلگر علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی در مادر بر رابطه پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخنای توجه کودک و کیفیت رابطه مادر-کودک، شیب خط رگرسیون پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخنای توجه کودک در پیش‌بینی کیفیت رابطه

مادر - کودک در مقادیر مختلف علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی محاسبه شد. با افزایش سطح علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی مادر از کم (۰/۹۱-) به متوسط (۰/۱۰) و بالا (۰/۷۶)، ضریب رگرسیون از ۰/۳۵ به ۰/۲۱ و ۰/۱۳ کاهش یافته است. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش عامل علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی در مادر، از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی عامل خلقی پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه در کودک برای کیفیت رابطه مادر-کودک می‌کاهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون به منظور آزمون نقش تعدیلگری مؤلفه علاقه و کنجکاوی مادر به حالات ذهنی در رابطه مؤلفه‌های خلق‌وخوی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک، با کنترل جنس کودک، سایر مؤلفه‌های

خلق‌وخو و ظرفیت تأملی

حد پایین بازه اطمینان ضریب رگرسیون	حد پایین بازه اطمینان ضریب رگرسیون	سطح معناداری	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	
۰/۲۰	-۰/۰۶	۰/۳۱۲	۰/۰۷	۰/۰۷	سطح فعالیت × علاقه و کنجکاوی
-۰/۰۳	-۰/۲۳	۰/۰۱۱	۰/۰۵	-۰/۱۳	پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه × علاقه و کنجکاوی
۰/۰۲	-۰/۱۵	۰/۱۵۵	۰/۰۴	-۰/۰۶	نزدیکی به محرک جدید × علاقه و کنجکاوی
-۰/۱۳	-۰/۲۱	۰/۶۵۲	۰/۰۹	-۰/۰۴	شدت بیان خلق × علاقه و کنجکاوی
۰/۰۸	-۰/۱۰	۰/۷۹۲	۰/۰۴	-۰/۰۱	حواس‌پرتی × علاقه و کنجکاوی
۰/۱۲	-۰/۱۹	۰/۶۹۱	۰/۰۸	-۰/۰۳	آستانه حسی × علاقه و کنجکاوی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاکی از آن بود که به‌جز حواس‌پرتی، دیگر مؤلفه‌های خلقی کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک رابطه معنادار داشتند. هر سه مؤلفه ظرفیت تأملی مادر نیز با نزدیکی و تعارض در ارتباط مادر-کودک ارتباط معنادار داشتند. پیش‌ذهنی‌سازی مادر نقش تعدیلگر در ارتباط سطح فعالیت کودک با کیفیت رابطه مادر-کودک را داشت که با افزایش آن، بر قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه خلقی سطح فعالیت افزوده می‌شد. همچنین پیش‌ذهنی‌سازی مادر به عنوان تعدیلگر رابطه پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه با کیفیت رابطه مادر - کودک شناخته شد که با افزایش آن، رابطه مؤلفه خلقی پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه با کیفیت رابطه مادر - کودک قوی‌تر می‌شد. علاقه و کنجکاوی مادر به حالات ذهنی تعدیلگر رابطه پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه با کیفیت رابطه مادر - کودک بود و با افزایش آن، از شدت رابطه مؤلفه خلقی پیش‌بینی‌پذیری - ثبات فراخوانی توجه و کیفیت رابطه مادر - کودک کاسته می‌شد. در هیچ‌یک از رگرسیون‌های انجام‌شده، دو جنس کودک با هم تفاوت نداشتند.

در نهایت می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر نیز همسو با پژوهش‌های پیشین، رابطه اکثر مؤلفه‌های خلقی کودک و کیفیت رابطه مادر - کودک را تأیید کرد. همچنین نتایج نشان داد که کیفیت رابطه مادر-کودک با پیش‌ذهنی‌سازی مادر در جهت معکوس و با اطمینان به وضعیت روانی و علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی در جهت مثبت ارتباط دارد. وظیفه والدین هنگام انتخاب راهبردهای آرام‌سازی، کنترل،

مدیریت و راهنمایی فرزندشان و به‌طور کلی در تنظیم محیط تربیتی کودک این است که ویژگی‌های خاص فرزندشان را در نظر بگیرند. در مجموع، مفهوم خلق‌و‌خو توجه ما را به جنبه‌های مهم فردیت کودک معطوف می‌کند که باید در تربیت فرزند به آن توجه کرد. با توجه به اینکه تعامل بین فرزندان و والدینشان مداوم و پویاست، منطقی است که آگاهی مادر از تأثیرات دوطرفه والد - فرزندی و تأمل مادر بر تأثیری که بر کودک دارد، نقش مهمی در تحول و نمو رفتار کودک و ایجاد رابطه نزدیک با او دارد (اسمالینگ^{۴۷} و همکاران، ۲۰۱۶). برای تحقق این امر و ساخت ارتباط نزدیک و صمیمی با فرزند، ظرفیت بالای مادر برای تأمل بر حالات درونی کودک لازم و ضروری است. ظرفیت تأملی مادر به کودک نیز کمک می‌کند تا بهتر بتواند با محیط خود سازگار شود و در موارد لازم، خود را آرام کند. والدین باید با احترام به فردیت و یکپارچگی هر کودک و انعطاف‌پذیری در ایجاد محیط‌های تربیتی کودک، بستر مناسب رشد کودک را فراهم آورند تا هم والدین و هم فرزندان از نتایج مطلوب آن بهره‌مند شوند (پوتنم و همکاران، ۲۰۰۲؛ آلوارز^{۴۸} و همکاران، ۲۰۲۲).

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. ارزیابی تمامی متغیرهای این پژوهش از طریق گزارش مادر انجام شد که این اتکای انحصاری به گزارش مادر با تمام مزایایی که دارد، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. مثلاً برخی افراد ممکن است آگاهی دقیقی نداشته باشند و تمام واقعیت را انعکاس ندهند. همچنین راه ارتباط با شرکت‌کنندگان به فضای مجازی محدود بود و این امر ممکن است تعمیم نتایج پژوهش به جمعیت عمومی را با محدودیت مواجه کند؛ لذا پیشنهاد می‌شود در صورت فراهم بودن امکانات، تعامل رودررو با افراد انجام شود. این امر سبب همکاری بهتر آنان با پژوهشگر و پاسخ‌گویی دقیق‌تر به پرسش‌ها می‌شود.

با توجه به اینکه نتایج این مطالعه همسو با مطالعات پیشین، از ارتباط ظرفیت تأملی مادر با کیفیت رابطه مادر - کودک حکایت داشت، و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که پیش‌ذهنی‌سازی مادر و علاقه و کنجکاوی مادر به درک حالات ذهنی کودک تعدیلگر ارتباط برخی مؤلفه‌های خلقی کودک با کیفیت رابطه مادر - کودک بود، پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش کیفیت تعاملات مادر و کودک و همچنین کاهش نقش ویژگی‌های خلقی دشوار کودک که می‌تواند کاهنده کیفیت تعاملات مادر و کودک باشد، ارتقای مهارت‌های ظرفیت تأملی مادران در اولویت برنامه‌های آموزشی و درمانی برای فعالان حوزه مادر و کودک قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------|--|
| 1. Psychopathology | 26. Activity level |
| 2. Brisch | 27. Rhythmicity (regularity) |
| 3. Cheraghi | 28. Approach or Withdrawal |
| 4. Howe | 29. Intensity of Reaction |
| 5. Khodapanahi | 30. Attention Span and Persistence |
| 6. Kotelnikova & Hayden | 31. Distractibility |
| 7. Allard & Hunter | 32. Threshold of Responsiveness |
| 8. Strelau | 33. Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ) |
| 9. Rothbart | 34. Luyten, Nijssens, Fonagy & Mayes |
| 10. Berk | |

11. Lengua & Kovacs
12. Larkin & Otis
13. Mäntymaa
14. Laukkanen
15. Paulussen-Hoogbeem,
16. Putnam
17. Mentalization
18. Bateman & Fonagy
19. Vismara
20. Reflective functioning
21. Fonagy & Target
22. Slade
23. Middle Childhood Temperament Questionnaire (MCTQ)
24. Hegvik
25. Yazdakhasti
35. Prementalizing Modes (PM)
36. Certainty of Mental States (CMS)
37. Interest and Curiosity in Mental States- (IC)
38. Gudarzi
39. Mousavi, and Bahrami Ehsan
40. Fathi
41. Child-Parent Relationship Scale-Short - form Version (CPRS-SF)
42. Pianta
43. Closeness
44. Conflict
45. Driscoll & Pianta
46. Abareshi
47. Smaling
48. Álvarez

منابع

- ابارشی، ز.، طهماسیان، ک.، مظاهری، م. ع. و پناغی، ل. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه «ارتقای رشد روانی اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر - کودک» بر خودآزمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۳(۳)، ۴۹-۵۸.
- برک، ل. (۲۰۰۷). روان‌شناسی رشد. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
- خداپناهی، م.، قنبری، س.، نادعلی، ح. و سیدموسوی، پ. (۱۳۹۱). کیفیت روابط مادر - کودک و نشانگان اضطرابی در کودکان پیش‌بستانی. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹(۳۳)، ۱۳-۵.
- چراغی، م. (۱۳۹۷). تحلیل روان‌شناختی رابطه والد - فرزندی در ضرب‌المثل‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۴(۳)، ۴۱۰-۳۸۳.
- گودرزی، ز. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای تنظیم هیجانی در رابطه ظرفیت تأملی مادران و مشکلات درونی‌سازی‌شده و برونی‌سازی‌شده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- موسوی، و. و بهرامی احسان، ه. (۱۳۹۹). مطالعه مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه ظرفیت تأملی والدینی بر روی یک نمونه ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۱(۳)، ۶۸-۵۵.
- یزدخواستی، ف.، جواهری، ر. و عریضی، ح. (۱۳۸۹). هنجاریابی پرسش‌نامه مزاج کودکی میانه (MCTQ) و بررسی رابطه آن با عوامل دموگرافیک در فرهنگ ایرانی. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهکرد، ۱۳(۴)، ۹۳-۸۱.

Abareshi, Z., Tahmasian, K., Mazaheri, M. A. and Panaghi, L. (2009). The Effect of Training Program "Promoting Child's Psycho-Social Development through Improving Mother-Child Interaction" on Parenting Self-Efficacy and the Relationship between Mother and Child under three Years Old. *Research in Psychological Health*. 2008, 3(3), 49-58 [in Persian].

Allard, L. T. & Hunter, A. (2010). *Understanding Temperament in Infants and Toddlers*. Center on the Social and Emotional Foundations for Early Learning.

- Álvarez, N., Lázaro, M. H., Gordo, L., Elejalde, L. I. & Pampliega, A. M. (2022). Maternal Mentalization and Child Emotion Regulation: A Comparison of Different Phases of Early Childhood. *Infant Behavior and Development*, 66, 101681.
- Bateman, A. & Fonagy, P. (2016). *Mentalization-Based Treatment for Personality Disorders: A Practical Guide*. Oxford University Press.
- Berk, L. (1996). *Developmental Psychology*. SeyedMohammadi, Y. Tehran, Arasbaran [in Persian].
- Brisch, K. H. (2012). *Treating Attachment Disorders: From Theory to Therapy*. Guilford Press.
- Cheraghi, M. (2017). Psychological Analysis of Parent-Child Relationship in Iranian Proverbs: A Qualitative Research. *Journal of Family Research*, 14(3), 383-41 [in Persian].
- Driscoll, K., & Pianta, R. C. (2011). Mothers' and Fathers' Perceptions of Conflict and Closeness in Parent-Child Relationships during Early Childhood. *Journal of Early Childhood & Infant Psychology*, (7), 1-24.
- Fathi, M., AminYazdi, S. A., Kareshki, H. & Ahanchian, H. (2022) *Investigating Psycho-metric Properties of Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ)*.
- Fonagy, P. & Target, M. (2005). Bridging the Transmission Gap: An End to an Important Mystery of Attachment Research? *Attachment and human development*, 7(3), 333-343.
- Fonagy, P., Steele, M., Steele, H., Moran, G. S., & Higgitt, A. C. (1991). The Capacity for Understanding Mental States: The Reflective Self in Parent and Child and its Significance for Security of Attachment. *Infant Mental Health Journal*, 12(3), 201-218.
- Gudarzi, Z. (2018). *The Mediating Role of Emotional Regulation in the Relationship between Mothers' Reflective Capacity and Internalized and Externalized Problems*. Master's Thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Hegvik, R. L., McDEVITT, S. C., & Carey, W. B. (1982). The Middle Childhood temperament questionnaire. *Journal of Developmental and Behavioral Pediatrics*. 3(4), 197-200.
- Howe, D. (1999). *Attachment Theory, Child Maltreatment and Family Support: A Practice and Assessment Model*. Macmillan International Higher Education.
- Khodapanahi, M., Ghanbari, S., Nadeali, H. and SeyedMousavi, P. (2011). Quality of Mother-Child Relationships and Anxiety Symptoms in Preschool Children. *Evolutionary psychology: Iranian psychologists*, 9(33), 5-13 [in Persian].
- Kotelnikova, Y. & Hayden, E. (2020). Child Temperament in Zeigler-Hill, V. & Shacke-lford, T. D. (Eds.). *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*, (pp.650-653). Cham: Springer.
- Larkin, S. J., & Otis, M. (2019). The Relationship of Child Temperament, Maternal Parenting Stress, Maternal Child Interaction and Child Health Rating. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 36(6), 631-640.
- Laukkanen, J., Ojansuu, U., Tolvanen, A., Alatupa, S. & Aunola, K. (2014). Child's Difficult Temperament and Mothers' Parenting Styles. *Journal of Child and Family Studies*, 23(2), 312-323.

- Lengua, L. J., & Kovacs, E. A. (2005). Bidirectional Associations between Temperament and Parenting and the Prediction of adjustment Problems in Middle Childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 26(1), 21-38.
- Luyten, P., Nijssens, L., Fonagy, P. & Mayes, L. C. (2017). Parental Reflective Functioning: Theory, Research, and Clinical Applications. *The Psychoanalytic Study of the Child*, 70(1), 174-199.
- Mäntymaa, M., Puura, K., Luoma, I., Salmelin, R. K. & Tamminen, T. (2006). Mother's Early Perception of her Infant's Difficult Temperament, Parenting Stress and Early Mother-Infant Interaction. *Nordic Journal of Psychiatry*, 60(5), 379-386.
- Mousavi, and Bahrami Ehsan, H. (2019). A Preliminary Study of the Psychometric Properties of the Parental Reflective Capacity Questionnaire on an Iranian Sample. *Quarterly Journal of Applied Psychological Research* [in Persian].
- Paulussen-Hoogeboom, M. C., Stams, G. J. J., Hermanns, J. & Peetsma, T. T. (2007). Child Negative Emotionality and Parenting from Infancy to Preschool: A Meta-Analytic Review. *Developmental Psychology*, 43(2), 438.
- Pianta, R. C. (1992). *Child-Parent Relationship Scale*. Unpublished Measure, University of Virginia.
- Putnam, S. P., Sanson, A. V. & Rothbart, M. K. (2002). *Child Temperament and Parenting*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Rothbart, M. K., Ahadi, S. A. & Evans, D. E. (2000). Temperament and Personality: Origins and Outcomes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(1), 122.
- Slade, A. (2005). Parental Reflective Functioning: An Introduction. *Attachment & Human Development*, 7(3), 269-281.
- Smaling, H. J., Huijbregts, S. C. J., Van der Heijden, K. B., Van Goozen, S. H. M., & Swaab, H. (2016). Maternal Reflective Functioning as a Multidimensional Construct: Differential Associations with Children's Temperament and Externalizing Behavior. *Infant Behavior and Development*, 44, 263-274.
- Strelau, J. (2020). Temperament in Zeigler-Hill, V. & Shackelford, T. D. (Eds.), *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*, (pp. 5388-5407). London: Springer.
- Yazdakhasti, F., Javaheri, R. and Arizi, H. (2011). Normization of Middle Childhood Temperament Questionnaire (MCTQ) and Investigation of its Relationship with Demographic Factors in Iranian Culture. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*, 13(4), 81-93 [in Persian].